



حمایت از فناوری های نو و جدید

مؤلفین

علی اشرف باقری فرد

ناهید فرامرزی

انتشارات فرزندگان دانشگاه

۱۳۹۸

سرشناسه	: باقری فرد، علی اشرف، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور	: حمایت از فناوری‌های نو و جدید / مولفین علی اشرف باقری فرد، ناهید فرامرزی.
مشخصات نشر	: تهران: فرزندگان دانشگاه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۲ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۳۸-۵۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه:ص.۱۱۱.
موضوع	: مالکیت معنوی
موضوع	: Intellectual property
موضوع	: مالکیت معنوی -- ایران
موضوع	: Intellectual property -- Iran
موضوع	: ثبت اختراعات -- قوانین و مقررات
موضوع	: Patent laws and legislation
موضوع	: ثبت اختراعات -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	: Patent laws and legislation -- Iran
شناسه افزوده	: فرامرزی، ناهید، ۱۳۵۱-
رده بندی کنگره	: ۱۴۰۱K
رده بندی دیویی	: ۰۸/۳۴۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۹۸۰۰۸

حمایت از فناوری های نو و جدید

تألیف: علی اشرف باقری فرد - ناهید فرامرزی

ناشر: فرزندگان دانشگاه

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۳۸-۵۱-۰

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۹۵۲۶-۶۶۹۷۹۵۱۹ مرکز پخش قانون یار

پاسکزار کسافی، ہستم کہ سرآغاز تولد من، مستند از یکی زادہ میوم

واز دیگر می جاودانہ

استادی کہ سپیدی را بر تختہ سیاہ زندگیم نکاشت و مادری کہ

تار موئی از او بہ پای من سیاہ نماد

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
فصل اول	۱۱
کلیات	۱۱
فصل دوم	۳۳
حقوق معنوی و مالکیت فکری و نقض مقررات مربوطه در این راستا	۳۳
فصل سوم	۹۵
حمایت از اختراعات و فناوری های جدید فکری در ایران و ثبت قانونی آنها	۹۵
فهرست منابع	۱۱۱

پیشگفتار

نظام حقوق مالکیت فکری فارغ از هرگونه شروط قراردادی، دو گونه حقوق مادی و معنوی را برای پدیدآورنده مقرر داشته که در انحصار پدیدآورنده است. به عنوان مثال، آنچه یک آفریننده اثر ادبی در تملک خود دارد نه وجود خارجی کتاب، بلکه حقوق مادی از جمله مالکیت ادبی و هنری، حق نشر و تکثیر، حق اقتباس، تلخیص و تبدیل، حق ترجمه و جایزه می باشد. در تبیین حقوقی مالکیت فکری، ماهیت و طبیعت حقوق مالکیت فکری - اعم از هنری ادبی و صنعتی - را می توان تلفیقی از نظریه مالکیت و نظریه حقوق فکری دانست. در تبیین ماهیت فقهی حقوق مالکیت فکری نیز نظریاتی از جمله نظریه فطری بودن مالکیت، نظریه علم حصولی، نظریه اشتراکی بودن مالکیت، نظریه مالکیت اعتباری و نظریه مالکیت تکوینی در متون فقهی وجود دارد که بطور اخص می توان نظریات فطری بودن مالکیت و مالکیت اعتباری را در تبیین فقهی مالکیت های فکری جامع تر و مفیدتر دانست.

در ایران اغلب پدیدآورندگان و مخترعان و سایر افرادی که به نحوی برخوردار از حقوق مورد حمایت در شاخه مالکیت فکری می باشند، از وجود مقرراتی که در جهت حمایت از حقوق آنها وضع شده است، ناآگاه هستند و یا آگاهی اندکی دارند یا حتی به دلیل نادرست بودن اطلاعاتشان در این زمینه و حتی به دلیل حفظ حیثیت حرفه ای خود و طولانی بودن جریان دادرسی اقدام به شکایت نمی نمایند و تنها شاید حاضر به طرح دعوی خود در هیأت های حل اختلاف گردند و اگر در این هیأت ها به حقوق خود دست نیابند، از طی مراحل بعدی نیز منصرف شوند. به همین دلیل برای جلوگیری از نقض بی رویه حقوق این دسته از افراد می بایست که این افراد را با قوانین مختلفی که در بردارنده حمایت از ابتکارات و آثار و علائم و نام های تجاری آنهاست، آشنا ساخت و با وضع قوانین مناسب و روشن که برای عموم افراد قابل درک باشد، ضمانت اجراهای کیفی قطعی و حتمی برای تعرض به حقوق این افراد در نظر گرفت. در ایران اگرچه از سال ها پیش در قوانین مختلف به جرائم و مجازاتهای ناشی از نقض حقوق پدیدآورندگان پرداخته شده، اما قانون مربوط به حقوق مؤلفان و مصنفان (۱۳۴۸) هرچند در آن دوران قانونی پیشرفته و کامل به حساب می آمد، اما امروزه با توجه به پیشرفت این شاخه حقوقی و گسترش روزمره آثار ادبی و هنری دیگر از جزئیات کافی برخوردار نیست که افراد بتوانند با مراجعه به آن در محدوده های قانونی عمل کنند و در بسیاری از موارد، اعمال متجاوزان گسترده تر از محدوده جرائمی است که در این قانون پیش بینی شده است. به همین علت در

برخی موارد راه حل قانونی مناسبی برای احقاق حق پدیدآورنده وجود نخواهد داشت. پدیدآورندگان در این موارد با تضییع حق خود مواجه خواهند شد. در مورد قوانین مربوط به مالکیت صنعتی نیز گذشته از عدم وجود قانونی جامع و مستقل که بتواند همه زیر مجموعه های این شاخه حقوقی را یکجا تحت حمایت قرار دهد و قضاات و صاحبان حق را از مراجعه به قوانین مختلف جهت یافتن حقی که برای این افراد متصور است، بی نیاز سازد و جلوی تشتت آراء نیز گرفته شود و نیاز مبرم به تصویب چنین قانون جامع و واحدی، اشکالات و نقایص مهمی وجود دارد. از جمله این اشکالات می توان به فقدان هر گونه حمایت صریحی از اسرار تجاری اشاره کرد. علیرغم اینکه اسرار تجاری جزء مهم ترین زیرشاخه های مالکیت صنعتی می باشد و حمایت از آن در جهت ایجاد فضای رقابتی سالم که منجر به توسعه اقتصادی کشور گردد ضروری است، اما قوانین مربوط به مالکیت صنعتی از این امر مهم غافل مانده و هیچگونه اشاره ای به این مورد نداشته اند و مجبوریم بر اساس سایر قوانینی که وجود دارند این شاخه را نیز تحت پوشش قرار دهیم که این قوانین نیز نتوانسته اند آن چنان که باید این حقوق را مورد حمایت قرار دهند. رفع این خلاء قانونی از آنجا که امروزه تجارت امری فراگیر و بین المللی شده و لازم است که اسرار تجاری هر تاجر مورد حمایت قرار گیرد تا بتواند در توسعه اقتصادی مؤثر واقع شود، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. نقص مهم دیگر در قوانین مربوط به مالکیت صنعتی ناکافی بودن ضمانت اجراهای مقرر در این قوانین در تضمین حمایت از حقوق افراد می باشد. از آنجا که در این شاخه، با حقوق مربوط به مخترعین، صاحبان طرح های صنعتی و علائم و نام های تجاری روبرو هستیم و نقش پر رنگ این افراد در توسعه صنعت و تکنولوژی بر هیچ کسی پوشیده نیست و به عبارتی می توان بیان کرد که عامل پیشرفت صنعت و تکنولوژی یک کشور در مقایسه با کشور دیگر دقیقاً به همین ایده ها و افکار مخترعین و تاجران وابسته است، بنابراین ضروری است که حمایتهایی که یک جامعه از حقوق این دسته از افراد می نماید، قاطعانه بوده و از شدت بیشتری برخوردار باشد تا بتواند سد محکمی در برابر متجاوزین به این حقوق ایجاد نموده و در پیشگیری از تعرض به این حقوق مؤثر باشد. بنابراین ضروری است که در این راستا در قوانین موجود اصلاحاتی صورت گرفته و ضمن تحت پوشش قراردادن همه زیرشاخه های مالکیت صنعتی، ضمانت اجراهای مناسبی نیز برای حمایت از این زیر شاخه ها در خود جای داده باشد.

فصل اول

کلیات

مفهوم و ماهیت مالکیت فکری

برای اینکه مفهوم مالکیت فکری را به گونه ای دقیق و قابل فهم و درک بهتر، بیان نمائیم، بدواً در این مبحث به تعریف و مصادیق مالکیت فکری و سپس به ماهیت فقهی و حقوقی آن در دو گفتار جداگانه می پردازیم:

۱-۲-۱- تعریف و مصادیق مالکیت فکری

۱-۱-۲-۱- تعریف مالکیت فکری

موضوع مالکیت فکری که ناشی از هنر و ابتکارات انسان است، بحث نوینی نیست. بلکه با پیدایش انسان، مالکیت فکری نیز به وجود آمده است. چرا که فکر قدرت لاینفکی بوده که انسان هیچ وقت از آن خالی نبوده و همیشه به منظور رفع نیازهای خود از آن بهره می گرفته است.

اصطلاح مالکیت فکری را نخستین بار پیکار^۱ حقوقدان بلژیکی در سال ۱۸۹۹ به کار برده است و برخی از حقوقدانان به جای آن اصطلاح مالکیت های غیرمادی، حقوق بر اموال غیرمادی و حقوق جلب مشتری را به کار برده اند.^۲ این اصطلاح معادل «**intellectual property**» است. واژه «**property**» در زبان انگلیسی هم به معنای حق مالکیت و تصرف و هم به معنای مال و شی که مالکیت به آن تعلق می گیرد. کلمه «**intellectual**» نیز وصفی است که بر توانایی فرد به فکر کردن

^۱ - Picard

^۲ - حمید، آیتی؛ حقوق آفرینشهای فکری، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵، ص ۲۴.

در یک روش منطقی و شناخت اشیاء و یا به کارگیری این توانایی دلالت می‌کند.^۱ در قوانین داخلی نیز برای اولین بار واژه مالکیت فکری در ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ آمده است. مالکیت فکری محصولی است که حاصل تلاش فکری و ذهنی انسان است و این محصول در ماهیت امری غیر ملموس است اما می‌تواند در اشیای ملموس و عینی پدیدار شود مثل ساخت یک آهنگ یا موسیقی. اصطلاح مالکیت فکری در کاربرد عمومی برای تشخیص و تمیز از حقوق مالکیت معمولی یا فیزیکی که در مورد اشیاء ملموس مانند زمین و کالا وجود دارد به کار می‌رود. مالکیت فکری نوعی از مالکیت غیرمادی است که نتیجه آن برخی از فرآیندهای فکری است اگرچه اغلب ممکن است تلاش‌های فیزیکی در برداشته باشد.

بطور سنتی این واژه معنای بسیار محدودی داشته است و مطابق قانون برای اشاره به حقوقی که از محصولات فکری که در حوزه ادبی و هنری پدید می‌آید، بکار گرفته می‌شد و این حوزه را در مقابل مالکیت صنعتی قرار می‌دهند.^۲ با توجه به تعریفی که سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو)^۳ از مالکیت فکری نموده: حقوق قانونی است که افراد به واسطه فعالیت‌هایی که در زمینه‌هایی از قبیل: صنعتی، علمی، ادبی، هنری و غیره بدست می‌آورند، اکنون مالکیت فکری آن محدودیت را ندارد بلکه در حال حاضر یک واژه عمومی است که برای اشاره به هر دو حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرد. حقوق مالکیت فکری از شاخه‌های حقوق خصوصی است که این حقوق به موضوعاتی می‌پردازد که زائیده فکر و اندیشه انسان است و هدف آن حمایت از آثار پدیدآورندگان اثر هنری و علمی است. مؤلف یا پدیدآورنده هر اثری اگر از نظر قانون مورد حمایت قرار نگیرد، نمی‌تواند با آرامش خاطر، اثر خود را به جامعه عرضه نماید. پذیرش حقوق فکری صاحبان آثار، اختراعات، ابداعات و تشویق آنها قرن پیش با شناسایی قانون «آن»^۴ به منظور حمایت از صاحبان آثار، اختراعات، ابداعات و تشویق آنها به ابداع بیشتر و جلوگیری از سرقت آثارشان در سال ۱۷۰۹ در انگلیس آغاز شد.

بطور کلی می‌توان بیان نمود: «حقوق مالکیت فکری حقوقی است که موضوع آن اثر فکری است و به خلاقیت و آفرینش پدیدآورنده آن وابسته است»^۵. این حقوق، حقوق انحصاری است که به

^۱ - محمود، حکمت‌نیا؛ مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۹.

^۲ - اسدالله، امامی؛ حقوق مالکیت صنعتی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۴۳.

^۳ - وایپو (wipo: world intellectual property organization)

^۴ - Anne Act

^۵ - علیرضا، نوروزی؛ حقوق مالکیت فکری، حق مؤلف و مالکیت صنعتی، چاپ اول، نشر چاپار، ۱۳۸۱، ص ۲۳.

پدیدآورندگان آثار فکری در دو حوزه مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی تعلق می‌گیرد. مالکیت فکری، ناظر بر خلاقیت‌های مورد استفاده در تجارت و بازرگانی است که شامل اختراعات، آثار ادبی و هنری، نشانه‌ها و علائم تجاری است.^۱ در واقع مالکیت فکری از ایده‌ها و اطلاعاتی که بیشتر ارزش تجاری دارند حمایت می‌کند، حمایت از این ایده‌ها رشد چشمگیری به ویژه در کشورهای صنعتی که از مالکیت فکری به عنوان اعتباری برای بهره‌برداری از ایده‌هایشان استفاده می‌کند، داشته است.

۲-۱-۱- ویژگی‌های مالکیت فکری

به نوعی حقوق مالکیت فکری با توجه به اصول کلی حقوق از جنبه حقوق غیرمالی، مورد نظر است. چراکه در لحظه پیدایش و خلق اثر، وجود عنصر مالیت هنوز متصور نیست و تنها ابداع اثر مورد بحث در ذهن موجود است. اما با توجه به این واقعیت که در پاره‌ای از حقوق، جنبه‌های مالی و غیرمالی با هم مخلوط شده‌اند، می‌توان مالی بودن این حق را نیز بررسی کرد. چنانچه برخی اساتید صراحتاً حق مؤلف بر آثار خود را دارای هر دو جنبه مادی و معنوی می‌دانند.^۲ مادی از این لحاظ که حق انتشار یا بهره‌برداری توسط پدیدآورنده قابل واگذاری است و نهایتاً بهای اقتصادی قابل توجهی نیز دارد. و معنوی از این باب که حق اخلاقی مولف نسبت به اثر خود در موارد مختلف از قبیل تغییر، تحریف و سوء استفاده محفوظ خواهد بود.

همچنین از باب عینی یا دینی بودن حق، مالکیت فکری را می‌توان باز در دسته بینابینی و درست در نقطه‌ای که هر دو جنبه در آن نمود دارند، بررسی کرد. زیرا حقی که مولف بر نوشته‌های خود دارد هر چند که در برابر همه قابل استناد است و از لحاظ انحصاری بودن با مالکیت شباهت تام دارد، برخلاف سایر حقوق عینی، موضوع آن شیء نیست و ناظر به ابداع فکر پدیدآورنده است. این وضعیت تا آنجا ادامه دارد که برخی حقوق‌دانان تقسیم‌سومی را علاوه بر حقوق دینی و عینی، با عنوان حق معنوی قائل شده‌اند.^۳

به هر صورت امروزه رویه قانونگذاری و صدور آرای محاکم و نیز امضای توافق‌نامه‌ها و کنوانسیون‌های مربوط به مالکیت فکری در کشورهای مختلف بر این باور پیش می‌رود که حقوق

^۱ - لایلا، رئیسی؛ نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت معنوی، چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۸۸، ص ۶.

^۲ - کاتوزیان دکتر ناصر، مقدمه علم حقوق - ص ۲۵۷

^۳ - کاتوزیان دکتر ناصر، مقدمه علم حقوق، ص ۲۶۴

مالکیت فکری به عنوان یک سلسله حقوق فردی و شخصی که به پدیدآوردگان تعلق دارد، مورد شناسایی قرار گرفته است و ضمانت اجرای این دسته از حقوق نیز قوانین مربوطه‌ای است که گاه علاوه بر جنبه مدنی و تجاری، از ابزار کیفری نیز بهره جسته است.

۳-۲-۱-۱- تاریخچه‌ای کوتاه از پیدایش مالکیت فکری

در منابع موجود از زمان دقیق تولد تنوریک مالکیت فکری، اطلاعات خاصی دیده نشد. اما قابل تصور است که فلسفه وجودی مالکیت فکری بیشتر با اختراع صنعت چاپ در سال ۱۴۴۰ به وسیله «گوتنبرگ» آلمانی به اثبات رسید.

چرا که با فراهم شدن امکان نشر و تکثیر اوراق و کتب به تعداد انبوه، به همان میزان امکان تجاوز به حقوق نویسندگان فراهم شد و عکس‌العمل قانونگذاران مختلف نیز به مرور قابل پیش‌بینی بود. چه بسا که بسیاری از آثار نوشتاری که با زحمت فراوان به ثمر رسیده بود، به راحتی و بدون هیچگونه جبران اقتصادی یا رعایت حرمت مؤلف از منظر اخلاقی، مورد نسخه‌برداری‌های ناروا جهت بهره‌برداری سودجویانه و غیرشرافتمندانه قرار گرفت.

به هر حال زمانی این احساس نیاز به جلوگیری از سوء استفاده‌ها و اعمال متقلبانه، تکامل خود را تا آنجا طی کرد که از حیطه واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، وارد حیطه حقوقی و قانونگذاری شد و البته این امر خود سرانجام یک تحول طولانی بود. زیرا اصولاً حق و رسمیت آن به یکباره و در لحظه با یک متن قانونی به وجود نمی‌آید. بلکه از مسیر تحولات مشخصی عبور می‌کند تا به مرحله اثبات و ایجاد ضمانت اجرا برسد.

گویا نخستین قانونی که درباره مالکیت فکری وضع شد، «قانون ثبت اختراعات فرانسه» (مصوب ۱۴۷۴ میلادی) بود که جرعه بزرگی در این عرصه محسوب می‌شد.

در سال ۱۷۷۷ امپراطور فرانسه، لویی شانزدهم - تحت فشار افکار عمومی و مقتضیات زمان ناگزیر به صدور فرمانی شد که برخی امتیازات را برای مولف به رسمیت می‌شناخت. این حادثه، سرآغاز شناسایی و رسمیت یافتن حق مولف نه تنها در فرانسه، که در سراسر جهان بود.

پس از چندی در ژانویه ۱۷۹۱ قانون معروف «شاپلیه» (Le chaplier) مربوط به حق نمایش و در ژوئیه ۱۷۹۳ قانون «لاکانال» (Lacanal) مربوط به حق نشر و تکثیر به عنوان نخستین قوانین مالکیت ادبی و هنری در فرانسه وضع شد. آخرین قانون فرانسه نیز در ارتباط با حق مولف، با عنوان «قانون

راجع به مالکیت ادبی و هنری» مصوب ۱۱/مارس/۱۹۵۷ است که با ۸۲ ماده تصویب شد و قانون دیگری در سال ۱۹۸۵ این قانون را اصلاح و تکمیل کرد.^۱

در انگلستان نیز در سال ۱۶۲۴م حرکت‌هایی در حمایت از اختراعات صورت گرفت و در ۱۱/ژانویه/۱۷۰۹ پیش‌نویس قانون و در ۱۰/آوریل/۱۷۱۰ نیز قانون حق مولف (معروف به قانون ملکه **The Act of Queen Anne**) به تصویب رسید. به موجب این قانون مولف در مورد کتاب انتشار یافته خود، حق انحصاری به مدت ۲۱ سال و در مورد کتاب منتشر نشده، به مدت ۱۴ سال دارا شد.

این قانون البته با دخالت مجلس لردها، به درستی اجرا نشد و قانون بعدی در سال ۱۸۴۲ به تصویب رسید. در حال حاضر نیز طبق بند ۱ از ماده ۱۲ قانون ۱۹۸۸ انگلستان، مدت حمایت از آثار ادبی و هنری تمام عمر مولف و ۵۰ سال پس از مرگ اوست.^۲

در آلمان نیز قانون پروس (۱۸۷۳) به عنوان نخستین قانون حق مولف در این کشور شناخته شده است. همچنین پس از تشکیل امپراطوری آلمان، نخستین مقررات تألیفی برای سراسر آلمان در ۱۸۷۰ به تصویب رسید و سپس قانون حمایت از آثار نوشته و موسیقایی و نیز قانون حمایت از آثار هنری، تجسمی، عکاسی و نمونه‌های ذوقی (۱۸۷۶) پدیدار شد.

اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد قانونگذار آلمانی بر مسئله حق مولف صرفاً از دیدگاه مادی و اقتصادی بوده که حتی در قانون حقوق خلاقیت ادبی و موسیقی (۱۹۰۱) و قانون حق سازنده در هنرهای تجسمی و عکاسی (۱۹۰۷) به وضوح دیده می‌شود.

اما در قوانین متأخر همچون قانون ۱۹۳۶ این قانونگذار، برای نخستین بار تأکید بر شخصیت پدیدآورنده و حق اخلاقی وی بر اثر به عمل آورده است. قانونگذاران کشورهای چون سوئیس، ایتالیا و اتریش نیز از تفکر توأمان منافع مادی و حق معنوی اثر برخوردارند. اتحاد جماهیر شوروی نیز علیرغم سلطه سیستم اشتراکی کمونیستی با قانون سال ۱۹۲۸ و الحاق به کنوانسیون جهانی حق تکثیر **U.C.C** در ۱۹۵۲ و وضع قانونی شبیه به کنوانسیون برن به حقوق مولف احترام گذاشت. و اما ایالات متحده آمریکا؛ قانون حق مولف این کشور در سال ۱۷۹۰ به تصویب رسید. این قانون از قانون ۱۷۱۰

^۱ آیتی، حمید- حقوق آفرینش های فکری- ص ۳۰- نشر حقوقدان

۱- آیتی، حمید- حقوق آفرینش های فکری (Copyright, Design and Patents Act ۱۹۸۸)